

متن سخنرانی جناب آقای دکتر ابراهیم شیبانی

ریاست کل محترم بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

الحمد لله على الائه والشكر على نعمائه

در ابتدا، چند اتفاق را یادآوری می‌کنم. یکی از این اتفاقات شهادت آیت‌... حکیم است که همه از آن مطلعید و ضایعه ای برای جهان اسلام می‌باشد. انشاء الله، خداوند ایشان را غریق رحمت خویش بفرماید. دیگر اینکه، در ابتدای ماه رجب قرار داریم و به قول علما، این ماه هم یادآور اتفاقات بسیار مبارکی است. تولد حضرت امام محمدتقی (ع) و تولد حضرت امیر (ع) که درسیزدهم ماه رجب بوده و به همین دلیل، ماه رجب ماه ویژه ای برای ما مسلمانان می‌باشد. حضرت امیر مردی است که تمام صفات یک انسان کامل را داراست؛ تمام صفاتی که سبب شرف یک انسان می‌شود در ایشان وجود دارد. بسیار مایل بودم و آرزو داشتم فرصتی پیش می‌آمد که می‌توانستم درباره این انسان کامل حداقل یک ساعت صحبت کنم. البته، من درس مرتبط با شناخت امام علی (ع) را نخوانده‌ام، ولی مایل بودم با مطالعاتی که خودم داشته‌ام درباره ایشان صحبت کنم، اما، اکنون بحث ما درباره موضوع دیگری است. انشاءالله، خداوند ما را از

رهروان خوب این امام بزرگوار قرار دهد. البته، خاطره مرحوم دکتر نوربخش نیز همچنان باقی است. تا قبل از امسال، ایشان همواره در کنفرانس ها بودند. آرزو می‌کنیم خداوند ایشان را در جوار اجداد طاهرینشان غریق رحمت خویش بفرماید. برای آمرزش روحشان صلواتی ختم بفرمایید.

همان‌طور که اطلاع دارید، این چهاردهمین کنفرانس بانکداری اسلامی است و بنده هم از ابتدای این کنفرانس ها در آن شرکت داشته‌ام. در واقع، عمر اداری خدمت بنده در اینجا با تعداد این کنفرانس ها یکی است که از زمان آقای دکتر عادل‌ی شروع شد؛ در زمان آقای دکتر نوربخش ادامه یافت و هنوز هم ادامه دارد. انشاءالله ادامه هم خواهد یافت. ما بسیار خوشحالیم و واقعاً مفتخریم که این کنفرانس ها را در خدمت اساتید بزرگی برگزار می‌کنیم. بنده واقعاً از صمیم قلب آرزو دارم که این بحث های علمی و رفتن به سمت تکامل در این زمینه ادامه پیدا کند. در گذشته، از حاصل این بحث ها بسیار بهره مند شده‌ایم و انشاءالله بیشتر هم بهره‌مند بشویم.

نظام بانکداری بدون ربا بی شک از افتخارات کشور ماست. شاید هنگامی که در کشور خود هستیم، آنچنان که باید قدر آنرا ندانیم؛ ولی، به محض اینکه در جمع مسلمانان دیگر قرار گرفته و شور و شوقی که آنان به ما نشان می‌دهند، می‌بینیم، احساس غرور و مباهات می‌کنیم. مطالبی را که بنده عرض می‌کنم. همه از دیده‌ها و شنیده‌های خودم است و داستان نیست. در سمینارهایی بوده‌ام که دانشمندانی از کشورهای مسلمان حضور داشتند و از اینکه ما این نظام را به طور کامل اجرا می‌کنیم، بسیار خوشحال بودند.

همان‌طور که می‌دانید و بنده هم قبلاً عرض کرده‌ام، این نظام بانکداری از قوانینی است که در زمان حضرت امام تصویب شد و مورد تأیید شخص ایشان قرار گرفت؛ مورد تأیید فقهای محترم شورای نگهبان و مجلس قرار گرفت و به مدت حدود ۵ سال در زمان ایشان اجرا شد. همه این موارد بسیار اهمیت دارد. زیرا، بعضی کارشناسان نکاتی را مطرح می‌فرمایند که لازم است بنده در اینجا به آن اشاره نمایم. به این مسأله اشاره کرده‌اند که قانون بسیار خوب است و اشکالی ندارد. اما، بحث آیین‌نامه‌هایی را که بانک ها ابلاغ می‌کنند، مورد شک و

شبهه می‌دانند. بنده عرض می‌کنم که فقط قانون نبوده که مورد تأیید فقهای محترم قرار گرفته، بلکه، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های آن نیز مورد تأیید واقع شده است. شاید کسانی که انتقاد یا سؤال دارند، بر این امر آگاه نباشند. به طور مثال، یک هفته پیش، در شورای بورس، آیین‌نامه‌ای را در باره بورس فلزات بررسی می‌کردیم. معاملات Option مطرح شد که شاید شما هم شنیده باشید. معاملات آتی (Futures) و Option. برای اینکه شکی در این موارد باقی نماند. بنده خودم خدمت حضرت آیت‌الله رضوانی در شورای نگهبان رسیدم و عرض کردم که چون چنین مطلبی برای ما تازگی دارد، پس لازم است که از نظر فقهی چنین مواردی را روشن و تصریح نمایند تا در تصویب لایحه آن شبهه‌ای نباشد. بعد، خدمت حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای منتظری، معاون دادستان کل و عده‌ای از همکاران ایشان رفتیم و تمام نکته‌های مربوط به این موارد کاملاً مورد بحث و بررسی قرار گرفت و سرانجام، مطابق با قانون شرع، لایحه آن نوشته شد. حال، چگونه ممکن است که ما درباره آیین‌نامه بورس فلزات به این امر دقت کنیم، اما، درباره آیین‌نامه مربوط به بانک‌هایمان توجه ننموده و آنها را بدون دقت نوشته و ابلاغ نماییم؟ حتی، اکثر آیین‌نامه‌های ما تأیید مکتوب دارد، نه شفاهی. حتی من خواهش کردم پس از اینکه آیین‌نامه اخیر تصویب شد، آنرا به امضای شورای نگهبان برسانند تا چنانچه بعدها سؤالی پیش آمد، ابهامی در پاسخ آن نبوده و خیالمان راحت باشد.

بنابراین، این قانون و آیین‌نامه‌هایش به این صورت عمل شده است. شاید این کمبود و کاستی از امثال بنده بوده که قانون، درست و روشن تبلیغ نگردیده (تبلیغ به معنی رسانیدن پیام، نه به معنی تجاری آن) تا واقعاً شرح بدهیم این زحماتی که دوستان کشیده‌اند بیهوده نبوده و همچنین، بگوییم که به تمام نکته‌های این قانون توجه شده و از آن غافل نبوده‌ایم. همه می‌دانید که حتی در زمان قبل از انقلاب اسلامی، حتی کسانی که عامل به احکام نبودند، نسبت به ربا و نزول بسیار حساسیت داشتند. یعنی، شاید یک در هزار هم آدم‌های بی‌اعتنا به مسأله ربا و نزول وجود نداشت، چه رسد به بعد از انقلاب اسلامی و

کارمندان متدین و مسلمانی که واقعاً اعتقاد کافی دارند. ممکن است با آیه مربوطه درست آشنایی نداشته باشند، اما، قبح ربا و نزول را می‌دانند و قبول دارند که حرمت آن سخت است؛ مانند خوردن گوشت خوک. بنابر این، در نظام بانکی، حساسیت کافی به مسأله بوده، هست، خواهد بود. البته، به این معنا نیست که هیچگونه ضعفی نباشد و همه چیز دقیقاً و صد درصد مطابق آنچه باید باشد، هست و مشکلی وجود ندارد. اگر قرار بود مشکلی نباشد، پس بسیاری از مسایل خود به خود وجود نداشت. مشکل همیشه خواهد بود. راهنمایی علما، دانشمندان، کارشناسان اقتصادی و بانکی همیشه خواهد بود. حتی ۲۰۰ سال بعد هم این بحث‌ها ادامه خواهد داشت و به هر حال، هنوز هم ما درباره آن کار می‌کنیم. بنابر این، این مشکل را قبول داریم. اما، اینکه گفته شود به آن بی توجهی می‌گردد، نمی‌پذیریم. زیرا، مطلقاً این طور نیست.

نکته ای را بنده خدمتان عرض می‌کنم که قبلاً هم در جمع دیگری گفته‌ام. در اولین جلسه ای که بنده خدمت مقام معظم رهبری و مقام ریاست جمهوری رسیدم، اولین تاکیدات بزرگواران بر همین مسأله بود که در واقع آغاز بحث بود. اخیراً، دو روز پیش هم که خدمت مقام معظم رهبری بودیم، باز همین نکته مطرح شد که الان داشتیم فرمایشات ایشان را خدمت حضرت آیت اله بجنوردی عرض می‌کردم. بنابر این، طبیعتاً یک مسؤول بانکی که می‌خواهد قانون را اجرا کند، باید توجه داشته باشد که قانون صحیح اجرا شود که توجه هم خواهد داشت. نکته ای که ممکن است باعث سوء استفاده شود این است که عده ای بانکداری بدون ربا را به زعم و به تشخیص خویش تعبیر کرده و سپس حکم می‌دهند.

همان‌طور که می‌دانید، مسایل سود و بانکداری از مسایل اعتباری است. به طور مثال، گوسفند حلال گوشتی را در نظر بگیرید که اگر مطابق با اصول اسلامی ذبح شود، حلال است. اما، اگر با یک ضربه شمشیر ذبح شود، حرام است. شکل کار ظاهراً یکی است. یا اگر کسی گلوی گوسفند را از جایی که معین شده، نبرد، باز هم حرام است. اگر کار ذبح را انجام داده، اما، به طور عمد بسم‌الله نگوید، باز حرام است. در حالی که ظاهر کار همان است. در بسیاری از موارد ممکن است

کاری که انجام می‌شود، از لحاظ ظاهر یکی باشد، اما با توجه به عقود اسلامی پذیرفته نیست. بحث حلال و حرام آن بحث بسیار ظریفی است. اکنون، بنده به مثالی در بانکداری اسلامی اشاره می‌کنم. فرض کنید رییس بخش اعتباری یک بانک بگوید که یک میلیون تومان وام می‌دهد و بابت آن ۱۵٪ نیز سود می‌گیرد و مثلاً، پس از یک سال، انتظار دارد که یک میلیون و صد و پنجاه هزار تومان دریافت کند. به عبارت دیگر، مبلغی را از پیش تعیین می‌کند که در این صورت، آنرا ربا می‌نامند. زمانی، همین بانکدار می‌گوید من برای شمای کارخانه دار یک میلیون تومان مواد اولیه خریده و ۱۵٪ سود به آن اضافه می‌کنم؛ سپس آنرا تقسیط کرده و شما باید اقساط آنرا به من برگردانید. چنین موردی را فروش اقساطی نامند. درصد، همان ۱۵٪ است. همان مقدار را هم بر می‌گرداند. زمان هم ممکن است همان مدت یک سال باشد. یکی اسلامی است و حلال. دیگری ربوی است و حرام. بنابر این، اگر ما با مطلب آشنا نبوده و فقط ظاهر را بینیم، ممکن است راحت حکم بدهیم که این کار ربوی است و حرام. در همین جا، بنده اضافه کنم که حداقل ۶۵٪ از عملیات بانکی ما، فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، فروش دین، انتقال دین است که همه اینها با نرخ ثابت تقسیم می‌شود. تمام بحث ما، درباره ۳۵٪ مسأله است. شاید هم ۵٪ یا ۱۰٪ و یا حتی کمتر از این ممکن است دارای ابهام باشد. بنده، حداکثر درصد را گفتم تا منصفانه باشد. پس چگونه می‌توان این بانکداری را ربوی خواند؟ این نکته‌ها از دقایق و ظرایف امر است که باید به آن توجه کرد. اخیراً، یکی از روحانیان که فرد بسیار متخصصی هم هستند این مسأله را در شورای پول و اعتبار که بحث مسکن در آن مطرح بود، بیان داشته و گفتند چگونه است که دو جا عقد می‌بندند و دو نوع نرخ می‌گیرند. این چه نوع اسلامی است؟ بنده، برای ایشان توضیح دادم و ایشان کاملاً قانع شدند. گفتم که در مراحل ساخت، یک نوع عقد می‌بندند که دوران مشارکت است. پس از ساخت، عقد دیگری است به نام اجاره به شرط تملیک. پس از انجام گرفتن این عقدها، حساب می‌گردد و دو

عقد در نظر گرفته می‌شود که کاملاً هم درست است. با اینکه ایشان از فقهای برازنده ای هستند، پذیرفتند.

حدود یک ماه پیش، بنده به شورای نگهبان احضار شدم. شاید سه یا چهار ساعت تقریباً به چهل، پنجاه پرسش فقها پاسخ داده شد. پس از آن مسایل دیگری نیز مطرح شد و باز از بنده پاسخ می‌خواستند. پرسش‌های آنان را پاسخ داده و قراردادها را نشان می‌دادم. این تصور پیش نیاید که خدای ناکرده بنده اغراق می‌کنم. احساس کردم پاسخها قانع کننده بود چون اگر غیر از این بود، آنان که تعارف ندارند، می‌فرمودند: خیر. این طور نیست و باید کار را اصلاح کنید.

منظور بنده این است که توجه و تمرکز به عقود و بررسی دقیق آن، مسأله را روشن می‌کند. به طور مثال، اوراق مشارکت چیست؟ عقد آن چگونه است؟ و سایر موارد که پرسش و پاسخ درباره آن وضع را روشن می‌کند. بعضی‌ها هم به تعبیر خودشان تصویری از بانکداری ربوی، غیر ربوی یا اسلامی دارند.

به طور مثال، تا نسبت سود مطرح می‌شود، آنرا غیر اسلامی می‌پندارند. این را از خودم نمی‌گویم، بلکه در روزنامه‌ها نوشته بودند. شاید خود شما هم دیده باشید. مثلاً، می‌گویند اگر کسی یک میلیون تومان پول گرفت، در پایان سال باید همان یک میلیون تومان را پس بدهد و به زعم آنان، اگر درصدی، مثلاً، ۴٪ کارمزد قرض الحسنه بابت آن گرفته شود، غیر اسلامی خواهد بود.

چندی پیش، حضرت آیت اله بجنوردی خیلی به خوبی بیان فرموده بودند که اگر کمتر از نسبت تورم گرفته شود، دارای نقص و اشکال خواهد بود. البته، نمی‌توان این مسأله را برای کسی که می‌خواهد اعتبار بگیرد توضیح داد. خود اعتبارگیرنده می‌داند که اگر مثلاً، نسبت تورم ۱۵٪ باشد، در پایان سال، مبلغ یک میلیونی را که گرفته معادل هشتصد و پنجاه خواهد بود، اما نمی‌خواهد این نکته را بپذیرد و انتظار دارد که اعتبار را به طور رایگان دریافت کند.

علیرغم آنچه مکرر گفته ایم، اکثر مصرف کنندگان به این نکته عنایت ندارند که این پول متعلق به مردم است. وقتی صحبت بانک پیش می‌آید، اقیانوس کبیر و بی حسابی را مجسم می‌کنند که هیچ حساب و کتابی هم در کار نیست، پس باید

تا می‌توان از آن به طور رایگان استفاده کرد. در حالی که به این مسأله توجه نمی‌کنند این پولها از سوی سپرده‌گذارانی با مبالغ اندک تهیه شده. اگر به میزان سپرده‌های سپرده‌گذاران توجه کنید، شاید ۷۰٪ سپرده‌گذاران کمتر از مبلغ صد هزار تومان به بانک سپرده‌اند و فقط ۳۰٪ آنان بیش از آن مبلغ. این مسأله هم از مباحث رباست که باید به آن توجه کنیم. البته، بنده در حضور حضرت آیت اله بجنوردی خدای ناکرده نمی‌خواهم اظهار فضل کنم. خود ایشان استاد مسلم هستند. سابق، ربا را یک آدم مستضعف از یک آدم پولدار می‌گرفت. الان چه کسی پول می‌دهد و چه کسی پول می‌گیرد؟ عمده پول‌گیران ما کارخانه‌داران و برج‌سازان هستند. پول را چه کسی می‌دهد؟ آن که صد هزار تومان سپرده دارد. ما چگونه می‌توانیم از چنین سپرده‌گذارانی بخواهیم که پولشان را بدهند تا چنان پول‌گیری آنرا به کار گرفته و فقط ۴٪ اضافه بر پول گرفته شده، بابت آن بپردازند.

حال، اگر به طور بسیار فنی و از دید اقتصاد دانان به مسأله بنگریم، ممکن است این پرسش پیش آید که پس چرا تورم را مهار نمی‌کنید؟ در پاسخ باید بگوییم که ما پیگیر آن هستیم و وظیفه اصلی ما هم هست؛ شب و روزمان نیز در اندیشه آن می‌گذرد. البته، شرحی هم در قسمت مربوط به اصلاح ساختار بانک‌ها در جای خود عرض خواهیم کرد.

اما به هر حال، در مورد بانکداری بدون ربا و اجرای آن، با توجه به اینکه ما هم برای خود مختصر عقیده‌ای داریم؛ ما هم ربا را گناه بسیار بزرگ و جنگ با خدا می‌دانیم و بزرگان هم با اعتماد به امثال ما می‌گویند که نظام درست عمل می‌کند، پس طبیعتاً، مسؤولیت ما خیلی سنگین می‌شود و به آن بی‌اعتنا نیستیم. تصور نمی‌کنم کسی باشد که بخواهد آخرت خود را برای چند هزار تومان حقوق بفروشد.

بنابر این، این حقیقت وجود دارد. آنانی هم که مسأله‌ای را عنوان می‌کنند، قیاس‌هایشان، قیاس‌های درستی نیست. شاید مناسب داشته باشد که مثالی را عرض کنم تا حال و هوای جلسه هم قدری عوض شود. داستان مربوط به قصه

بقال و طوطی است که معروف حضور همگان هست و به این بیت ختم می‌شود که :

از قیاسش خنده آمد خلق را مثل خود پنداشت صاحب دل را

پس اگر انسان در قیاس‌ها دقت نکند، نتیجه اش مانند همین مثال خواهد بود. اگر این تصور باشد که نسبت سود قبل از انقلاب مثلاً، ۴٪ یا ۶٪ بوده، حالا هم به همان میزان است، این نوع قیاس از قیاس‌های منطقی نیست و بی ربط است. به هر صورت، ما سعی خویش را خواهیم نمود. راه هم هنوز ادامه دارد. بسیار هم باید کار کنیم. کاستی‌ها را نیز قبول داریم و در آن بحثی نیست. از سوی دیگر، قوانین، مقررات، آییننامه‌ها محکم است و مورد تأیید می‌باشد و ما همیشه به طور جاری با علما در ارتباط هستیم و مسایل موجود را حل می‌کنیم. شاید بدانید که متجاوز از ۱۶۰/۰۰۰ همکار بانکی و متجاوز از ۱۶/۰۰۰ شعبه بانکی داریم. یک لحظه بیاندیشید که گفتن ۱۶/۰۰۰ شعبه، کار ساده‌ای است. طبیعتاً، اجرای یکسان در همه این شعب امری است که زمان و نیرو می‌برد و کار ساده‌ای نیست. بنده نمی‌گویم ۱۰۰٪، اما، نزدیک به ۱۰۰٪ این کارکنان شعب، مردمان نجیب، شریف و زحمتکشی هستند که زیر فشار و چشم مردم کار می‌کنند. واقعاً، درست نیست که گاه و بیگاه اگر کسی کسالتی داشته باشد، بگوید بانک‌ها بد کار می‌کنند و به این ترتیب، خودش را تسکین دهد. الان، در همین سالن نمی‌دانم چند نفر هستند که از خدمات بانک استفاده نکرده‌اند. حداقل چند نفر هستند که تسهیلات مسکن نگرفته‌اند؟ آقای دکتر رسول‌اف می‌گفتند که ماهیانه فقط ۲۵ میلیون قبض آب و برق را باید برای مردم رد و بدل کنند، در حالی که وظیفه اصلی بانک‌ها این نیست. آنان با کمترین دستمزد خدمات ارایه می‌دهند. مشتریان در مقابل باجه صف می‌بندند. سر کارمند داد می‌زنند که زودباش وقتم گذشت. اگر هم خطایی در کار پیش آید، کارمند باید از جیب خود هزینه اش را بپردازد. اگر بنده که در کلاس درس می‌دهم، در نوشتن خود خطایی کنم، تخته را پاک کرده و فرمول خطا را اصلاح می‌کنم. اما، کارمندی که در بانک خطا کند و مثلاً، سندی را به اشتباه امضاء نماید، دیگر قابل برگشت نیست. در همه بانک‌ها به همین نحو است و زحماتشان طاقت

فرساست. فقط چند روز پیش مقاله ای از یک آدم منصف دیدم که فکر می‌کنم استاد بودند. ایشان به طور مختصر اشاره کرده بودند که همه بد گفته اند، اما، بگذارید من هم بگویم که بانک‌ها بسیار زحمت می‌کشند. البته، مطلب ایشان فقط چند سطر بود.

به هر حال، انتقادهایی وجود دارد، اما باید توجه داشت همان‌طور که در محل زنبورهای عسل همه زنبورها کار می‌کنند و هر کدام وظیفه ای دارند که ما فقط صدای آنها را می‌شنویم، کارمندان ما هم همه کار می‌کنند و زحمت می‌کشند. به هر حال، قبول داریم که باید سعی کنیم، اصلاح کنیم و چنانچه ایرادی در کار است، آنرا برطرف نماییم. این را هم باید در نظر داشته باشیم که حیف است این جمع زحمتکش را که اعتقادی به گرفتن ربا ندارند و به مردم هم بی‌توجه نیستند، مورد شماتت و بی‌لطفی قرار دهیم. آنان کارشان را انجام می‌دهند و زحمت می‌کشند، بنده هم نهایت تشکر را از ایشان دارم.

مطلب دیگری که مایلیم در اینجا اضافه کنم قانون بانکداری بدون ربا یا بانکداری اسلامی است. به تعبیر بنده، یکی از نکات مهمی که در کنار بانکداری اسلامی قرار دارد، اخلاق اسلامی است. یعنی، اگر رفتار کنونی ما در بانک با آنچه قبل از انقلاب اسلامی بود تفاوتی نداشته باشد، کار اشکال دارد؛ گرچه شکی نیست که در آن موقع هم زحمت می‌کشیدند. به هر حال، وقتی ما صحبت از اسلام می‌کنیم، نکته‌هایی به ذهن ما می‌رسد مانند: مسلمانان با هم برابرند، برادرند. اگر مسلمانی به درد مسلم دیگر نرسد، مسلمان نیست. بنابراین، همکاران عزیز و دوستان توجه داشته باشید که این مطلب مهمی است که وقتی کسی وارد بانک می‌شود، احساس کند در محیطی وارد شده که اخلاق اسلامی در آن وجود دارد. این نکته واقعاً مهم است.

بنده، سالها پیش حدیثی از مرحوم احسانبخش شنیدم. ایشان به نقل از حضرت امام جعفر صادق (ع) فرمودند که حتی اگر گاهی مجبور شدید پاسخ منفی بدهید، سعی کنید که با خوشرویی باشد و اوقات مردم را تلخ نکنید. بنابر این، اگر نمی‌توانیم خدمتی بهتر ارائه دهیم، حداقل باروی خوش باشد؛ حتی اگر این

کار هزینه ای داشته باشد. به طور مثال، اگر فرد مسنی وارد می‌شود و خسته است، اگر شده، آب میوه ای به او بدهید و به هر حال، کاری کنید که احساس کند برای او احترام و اهمیت قایل شده اید.

به نظر بنده، این نکته بسیار مهم است که رفتار انسانها با همدیگر به طریقی باشد که همه احساس کنند مورد توجه و احترام واقع شده و دارای اهمیت زیادی هستند. مثلاً، اگر سوار بر اتومبیل خود هستید و در روی زمین هم آب جمع شده، طوری حرکت نکنید که آب به سر و لباس افراد پیاده پاشیده شود، بلکه، بگذارید ابتدا آنان رد شوند و بعد شما حرکت کنید؛ به ویژه، اگر افراد محترم و نکته سنجی باشند که برخورد و رفتار شما در آنان تأثیر گذارد. این قبیل نکته ها از اصول اسلامی و انسانی است. بی‌حرمتی به افراد و خوار کردن آنان بسیار مذموم است. محیط کار از هر نظر باید تأثیر مثبت بر ارباب رجوع بگذارد. از نظر برخورد، از نظر راهنمایی و یاری به آنان مثلاً، در تکمیل قبض ها، از نظر نظافت و هوا، از نظر نور و روشنایی و همچنین از نظر شفاف بودن مطالب و کارها و بسیاری از موارد دیگر، همه و همه باید روحبخش و تأثیر گذار باشد. قبلاً هم به دفعات گفته ام که وقتی ارباب رجوع وارد بانک می‌شود، باید بدانند به کجا و به چه کسی مراجعه می‌کند و در انجام دادن مراحل گوناگون کارها مشکلی نداشته باشد. به طور مثال، اگر قرض الحسنه نیاز دارد، اگر وام ازدواج می‌خواهد، اگر به دنبال تسهیلات مسکن است و مواردی از این قبیل، کار برایش آسان باشد. با نصب تابلوی اعلانات، راهنمایی‌های لازم به ارباب رجوع بشود. به هر حال، مدیر شعبه بانکی می‌تواند بسیاری از مشکلات مربوط را با استعانت از قوه تشخیص و ابتکار خود برطرف نماید. بعضی از ارباب رجوع ممکن است بدون توجه به تابلوی اعلانات که شاید پاسخ سؤال خود را در آن بیابند، به کارمندان باجه ها مراجعه کرده و سؤال خود را به طور شفاهی مطرح می‌کنند که گاه ممکن است این پرسیدن ها به دفعات تکرار شود. در چنین وضعی، کارمندان هر قدر هم مشغول بوده و حواسشان به کارشان است، اما، خوب است شکیبایی خویش را حفظ کرده و با متانت، ارباب رجوع را ولو به طور مختصر پاسخ گویند. مثلاً، اگر قرض الحسنه می‌خواهند، چنانچه موجود

باشد، به آنان بگویند که شرایطش چیست و اگر در آن زمان موجود نیست، به آنان گفته شود که مثلاً ۱۰ روز دیگر مراجعه کنند. اگر وام ازدواج می‌خواهند، به آنان گفته شود که برای این کار قباله ازدواج لازم است و نباید بیش از ۶ ماه از عقد گذشته باشد و همچنین، در سایر موارد.

به هر حال، همه این کارها باید توأم با توجه و احترام باشد که به نظر من آنرا رفتار اسلامی گویند. تعجب نکنید که آنچه ما رفتار اسلامی می‌دانیم و حرفش را می‌زنیم، در خارج از کشور بدان عمل می‌کنند. از قول حضرت امیر(ع) روایت است که فرمودند: «مبادا دیگران به دستورات قرآن عمل کنند و شما از آن باز بمانید»

اینها نمونه‌هایی از اصولی است که ما باید بیشتر در کار خویش رعایت نماییم. اکنون، بعضی از مدیران محترم هم در اینجا تشریف دارند. خوب است تلاش ما در جهتی باشد و بخشنامه‌هایی تهیه و تنظیم کنیم که به حرمت انسانها یاری کند. گاهی ممکن است ارباب رجوعی خسته و عصبی باشد و بد اخلاقی کند، اما، ما باید متانت خود را حفظ کرده، گذشت نموده، بر او سخت نگرفته، درشتی نکنیم.

به طور خلاصه، خوب است دو نکته را اضافه کرده و مورد تأکید قرار دهیم. یکی آنکه، قوانین و مقررات و کارها شفاف و بی رمز و راز بوده و پوشیده نباشد. دیگر آنکه، خلق و خوی خوش را در میان همکارانمان ترویج نماییم.

اگر این موارد را نیز به بانکداری بدون ربا اضافه کنیم، می‌توانیم بگوییم که بانکداری اسلامی در کشور ما وجود دارد و بانک‌های ما از قواعد و مقررات آن تبعیت می‌کنند. امیدوارم انشاءالله خداوند بزرگ به ما یاری کند که در این راه کسب توفیق کنیم.

یک مطلب دیگر را در اینجا اضافه کنم که اسلام پیشرفت را دوست دارد. اگر به تعلیمات سایر ادیان نگاه کرده باشید که فکر می‌کنم چنین باشد، می‌بینید که چه احکامی صادر می‌کردند. زمان فعلی را با زمان قرون وسطی مقایسه کنید. به نوع احکامی که درباره زن، مرد و به طور کلی، انسان و نیز سایر موضوعات

صادر می‌کردند، توجه نموده، پیش خود تجزیه و تحلیل کرده، نتیجه‌گیری نمایید. دین ما، یعنی اسلام، به اصل پیشرفت بسیار توجه و تأکید داشته. یکی از نکته‌های مهمی که مایلیم در بانکداری اسلامی ببینیم، استفاده از پیشرفته‌ترین تجهیزات، روش‌ها و فناوری‌های دنیاست. ما اکنون در شورای هماهنگی بانک‌ها در حال صحبت در زمینه این موضوعات هستیم. کاری کنیم که روشهای ما از سایر کشورها عقب نماند. البته، بنده عرض می‌کنم که در حال حاضر، قدری عقب مانده‌ایم. حتی از کشورهای حاشیه خلیج فارس عقب هستیم. البته، شرایط آنها فرق دارد و اکثر بانک‌ها خارجی است و یا شعب خارجی دارد. به قول معروف، Software یا نرم افزار را گرفته و مشغول کار با آن شده‌اند. مثل ماشین‌مردس بنزی که وارد کرده و پشت آن نشسته‌اند. ما خودمان مشغول کار هستیم و می‌خواهیم بسازیم و پیشرفت کنیم.

به هر حال، مجهز کردن بانک‌ها، کامپیوتریزه نمودن آنها، استفاده از پیشرفته‌ترین روشها و به‌طور کلی، به کارگیری استعدادها، خلاقیت‌ها و ابتکارات نیز واقعاً از انتظارات بانکداری اسلامی است. البته، اکنون در حال پیشروی هستیم و راهی طولانی در پیش داریم، گرچه سنگلاخها و دشواری‌هایی نیز در سر راه وجود دارد. تا بحال، پیشرفت‌های خیلی خوبی داشته‌ایم. الان، بسیاری از بانک‌های ما پیشرفت‌های بسیار خوبی داشته‌اند. حتی بعضی از این بانک‌ها که کوچکتر بوده‌اند؛ بانک‌های خصوصی ایجاد شده که پرچم‌هایشان در اینجاست و بعضی از مدیرعامل‌های محترمشان نیز اینجا هستند، از ابتدای کار خوب پیش رفته‌اند و کارهای خود را کامپیوتریزه کرده‌اند. بانک‌های دیگر ما نیز کار را شروع کرده و قسمت‌های عمده کار را انجام داده‌اند و به مراحل مهمی رسیده‌اند. طرح‌های مختلف دیگری نیز در بانک مرکزی داریم که با هماهنگی بانک‌ها انشاءالله بتوانیم به جایی برسیم که نه تنها خدای ناکرده باعث عقب ماندگی نشده، بلکه، سبب سرفرازی و حفظ آبروی بانکداری اسلامی گردد.

از این بحث که خارج شوم، به بحث مربوط به موضوع کنفرانس می‌رسم که درباره اصلاح ساختار مالی و نظارتی نظام مالی است. قسمت بانکداری آنرا قدری توضیح می‌دهم.

همه مستحضر هستید که قبل از انقلاب اسلامی، دو گروه بانک وجود داشت. بانک‌های دولتی و بانک‌هایی که یا خصوصی بود یا خارجی‌ان در آن سهمی داشتند. پس از انقلاب، این بانک‌ها در هم ادغام شد و همه به شکل دولتی درآمد؛ در قانون اساسی هم از آن با عنوان بانک و بیمه دولتی یاد شده. در آن زمان، حدود ۳۵ یا ۳۶ بانک با هم ادغام گردید.

می‌دانید که در سال ۵۷، انقلاب شد. در سال ۵۹، شورای انقلاب تشکیل گردید که چند قانون و مصوبه گذرانید. بعد، تا زمانی که قانون بانکداری بدون ربا تصویب بشود، سال به ۶۳ رسید و ادامه یافت. در همان زمان، جنگ شروع شد. زمانی که جنگ شروع شد، بانک‌ها زیر نظارت شدید دولت و بررسی حل مشکلات آن بودند. کمبودهای دولت یا به صورت تسهیلات تکلیفی به بانک‌ها تکلیف می‌گردید یا به صورت کسر بودجه از بانک مرکزی گرفته می‌شد. لذا، ساختار مالی بانک‌ها دچار کژی و نیز زیانده‌ی گردید؛ علتش هم انتظاراتی بود که از بانک‌ها داشتند و می‌خواستند اعتبارات مجانی بدهند یا سود خیلی کم از اعتبارگیرندگان طلب کنند که نتیجه آن، حجم زیادی زیان انباشته بود. بنابراین، ساختار بانک‌ها طوری شد که در واقع، زیانده گردید. پس از اتمام جنگ و بازسازی اقتصاد و قوانینی که تصویب شد، سعی بسیار زیادی کردیم (همه همکاران) که قانون مربوط را اصلاح کنیم. طبیعتاً، اصلاح قانون، بستگی به اصلاح مالی و بودجه‌ای دولت دارد تا به سبب آن چنین کاری میسر گردد. الان که بنده در حضور شما هستم، باید بگویم بیشترین فشار، آزار روحی، صرف وقت برای آن است که نذاریم ساختار بانک‌ها دچار کژی و کاستی بیشتر شود. تمام شرکت‌ها، تمام وزارتخانه‌ها، همان انتظاراتی را دارند که مردم دارند. فرقی این است که مردم ممکن است ۳۰۰ هزار تومان یا ۱۰ میلیون تومان اعتبار بخواهند؛ اما، کارخانه‌ها بعضاً ممکن است ۵۰ میلیارد تومان توقع اعتبار داشته باشند. اما، ماهیت امر یکی است و همه همان انتظار را دارند که اعتبار را زود بگیرند، مجانی بگیرند، اقساط آنرا نیز هر وقت شد بدهند یا ندهند و نهایتاً هم جزو بدهی‌های دولت به بانک مرکزی محسوب شود و یا بدهی

شرکتها، اکنون بیشترین اذیت ها مربوط به این قبیل کارهاست و بیشترین وقتها صرف چنین مواردی می‌شود. درگیری‌های لفظی، بحثی، نوشتاری، اغلب در همین زمینه هاست و هر کسی در بانک مرکزی هم می‌داند که این اولین و بیشترین گرفتاری است. دلایلش هم زیاد است، زیرا، کمبودها و نارسایی‌هایی در کار وجود دارد. شرکتهای دولتی هستند که بعضاً کارآیی نداشته و از نظر بنده این شرکتها، شرکتهای مرده هستند و ما نمی‌خواهیم قبول کنیم که این شرکتها مرده و باید رهایشان کرد. مانند بیماری که با پمپاژ قلبش بتوان او را زنده نگهداشت، اما در واقع، روی پای خود نبوده و زنده نیست. وضع این شرکتها هم همان‌طور است. تعدادشان هم کم نیست. چه نیرویی این شرکتها را سرپا نگهداشته؟ اعتبارات بانکی. بنده، بارها عرض کرده‌ام که ما به این شرکتها علاقمند نیستیم و به آنها اعتبار نمی‌دهیم، زیرا در همه جای دنیا بحث ورشکستگی و به موجب آن انحلال، یک امر عادی است. هر کشوری را که می‌خواهید در نظر بگیرید و درباره آن مطالعه کنید. به طور مثال، در کشور آلمان زمانی ۲۲ یا ۲۳ هزار شرکت ایجاد شده بود که ۲۰ هزار تای آن به ورشکستگی رسید. گاه پیش می‌آید که شرکتهای بسیار معتبر و شناخته شده جهانی را ممکن است منحل کنند، مثل، شرکت هواپیمایی SAS اسکاندیناوی. همه شما این شرکت را می‌شناسید و شاید سوار هواپیماهای آن هم شده باشید. وقتی دیدند دخل و خرج شرکت جور نمی‌شود، آنرا بستند. با کسی تعارف ندارند. یا مثلاً، شرکت "دوو" یکمترتبه زیر سؤال می‌رود. اگر این شرکتها منحل می‌شود، به معنای اتمام کار کشور سوئد یا کشور کره نیست، زیرا شرکتهای جدید با بافت جدید تأسیس می‌کنند. یک مرتبه مثالی را در یک محفل دولتی مطرح کردم به این مضمون که درختهایی را که در یک جنگل می‌بینید، درختان صد سال پیش نیستند، زیرا، بسیاری از آن درختها مرده و خاک شده اند، اما، جنگل همیشه سبز است. انسان‌هایی هم که الان هستند، انسان‌های صد سال پیش نیستند. اگر بخواهید که شرکتها همیشگی و دایم باشند، چنین امکانی وجود ندارد. بنابراین، این شرکتهایی که بازدهی ندارند، انتظار دارند به آنها اعتبار بدهیم. اعتباراتی که آنرا به صورت مختلفی تکلیفی می‌نامند؛ در بودجه درج

می‌شود و وقتی در بودجه مطرح شد، ما باید به بانک‌ها به نوعی تحمیل کنیم که پذیرش آن نیز برای آنان دشوار است و نمی‌خواهند قبول کنند. بانک‌ها همیشه نسبت به این مشکل شکایت داشته‌اند.

یکی از مواردی که باید از لحاظ ساختار بانکی اصلاح شود، همین مورد است که از سطح بالا هم شروع می‌شود. البته، طبق قانون برنامه و بودجه، دولت جدید سالانه ۱۰٪ افزایش در مانده اعتبارات تکلیفی را کم می‌کند و تا بحال هم کم کرده. در ابتدا، ۸/۴۰۰ میلیارد بود که الان فکر می‌کنم به ۳/۶۰۰ رسیده. اما از آن سو، به مبلغ بدهی‌ها افزوده می‌شود. البته، جزئیات آن در حافظه‌ام هست. اما نمی‌خواهم در اینجا بیان کنم. طبیعتاً، مواردی از این قبیل را باید پیشگیری کنیم. خود دولت اگر کمبودی داشته باشد، به بانک مرکزی مراجعه می‌کند که در آن صورت، بانک مرکزی دچار مشکل می‌گردد که آن نیز تأثیرات خود را داشته و به طور وسیع‌تر به بانک‌ها و جاهای دیگر منتقل می‌شود.

در سالهای اخیر، دولت بسیار سعی کرده که این کار را نکند و انصافاً هم چنین بوده. حتی، الان هم کمیته هفتگی بودجه تشکیل می‌گردد که خود رییس جمهور نیز آنجا تشریف دارند و بر این امر نظارت می‌کنند. وظیفه ما هم هست که نگذاریم چنین کاری صورت گیرد.

نکته بعدی هم که باز بحث در زمینه ساختار است، بحث سهمیه بندی اعتبارات می‌باشد. دوستان مدیرعامل و افسران ارشد بانکی نیز با این موضوع آشنا هستند. هدف از آن مشخص شدن میزان پرداخت بانک‌هاست و همچنین، مشخص شدن میزان مبلغی که هر بخش باید بگیرد. بعضی از این موارد، مصوبه مجلس را دارد (مانند کشاورزی) و بعضی موارد، مصوبه شورای پول و اعتبار و هیأت وزیران. اینها از مسائلی است که مورد بحث می‌باشد. آن چیزی که “**تخصیص بهینه**” گویند و به اصطلاح optimum allocation نامیده می‌شود، باز هم کارساز نیست. زیرا، به جایی که بازدهی بیشتری دارد، پول کمتری می‌رسد و بر عکس، به جایی که بازدهی کمتری دارد، پول بیشتری می‌رسد. اقتصاد سالم حکم می‌کند که پول بیشتر را به جایی اختصاص دهید که بازدهی بیشتری دارد

خوشبختانه، شاید دو سه سالی است که در این زمینه کار می‌شود و سالانه از آن کم می‌گردد. امسال هم دولت ۱۰٪ در شورای پول و اعتبار تصویب کرد. اکنون، ۳۵٪ منابع بانک‌ها در اختیار خودشان است که می‌توانند آزاد پرداخت نمایند. البته، ۶۵٪ منابعشان هنوز مشمول همان تسهیلات تکلیفی است. انشاء الله، در سالهای آینده بتوانیم این نسبت را بهتر نماییم. به هر حال، این مسأله هم جزو مسایل مالی و ساختاری بانک‌هاست که مشغول اقدام به آن هستیم. البته، نیروی زیادی صرف آن می‌شود، زیرا مخالفان زیادی دارد. مسأله بعدی که باید در جهت حل آن اقدام کنیم، مسأله نرخهای ترجیحی یا نرخهایی که برای ما مشخص می‌کنند، می‌باشد. علت ترجیحی بودن نرخها به سبب بودجه است. مشکل ما به کار گرفتن ابزاری است که می‌خواهیم متناسب و مطابق با اهدافمان باشد که نیست.

بنابر قوانین اقتصادی، هر ابزاری برای کاری در نظر گرفته شده. به طور مثال، نرخ ارز برای تعادل تراز پرداختهاست و برای سوبسید نیست. سوبسید، سیستم خودش را دارد که باید جداگانه در بودجه درج شود. نسبت سود بانکی یا نسبت بهره در اقتصاد غربی، تعادل بین عرضه و تقاضای پول را ایجاد می‌کند و برای سوبسید نباید از آن استفاده کرد که ما استفاده می‌کنیم. مثلاً، بخش کشاورزی از آن استفاده می‌کند که باید هم از این بخش حمایت شود و چنین حمایتی پذیرفته است.

اما، حمایت از بخش کشاورزی به این نحو است که نسبت سودش را کمتر در نظر می‌گیریم. در حال حاضر، ۱۳/۵٪ است، در حالی که آخرین نسبت تورم تقریباً ۱۵/۸٪ و الان تقریباً ۱۶٪ است. لذا، ابزار برای هدف دیگری به کار می‌رود. نرخ ارز را که گفتم، نه فقط هدفش سوبسید بود، بلکه چندین هدف دیگر هم بر آن بار می‌کنیم. ممکن است مثلاً، برای امور درآمدی و بسیاری امور دیگر از آن اسم برد. این را انحراف از اصول اقتصاد گویند. در اقتصاد، اگر بر روی مدلی کار کنید، با ۱۰ ابزار و ۱۰ هدف معادله شما حل خواهد شد و به پاسخ درست می‌رسید. هر کدام هم معلوم است که برای چه کاری می‌باشد.

نسبت مزد فقط معلول عرضه و تقاضای بازار کار است. در مورد بازار سرمایه، ابزاری وجود دارد که آنرا به تعادل برساند.

به هر حال، در اول انقلاب اسلامی، شاید تصمیمات بر مبنای اصول اقتصادی نبوده و اداری بود. اکنون، به سمت اصلاح گام بر می‌داریم. همین امسال، در شورای پول و اعتبار، چهار یا پنج نرخ را کم کردیم. اگر اشتباه نکنم، از یازده نرخ کاستیم و به شش نرخ رسیدیم. تعدد نرخها، هم منشاء فساد است و هم منشاء زیان. وقتی چند نرخ وجود داشته باشد، معنی اش این است کسانی هستند که باید درباره این نرخها تصمیم بگیرند و این خود فسادآور است.

امسال، این پنج نرخ حذف شد که در واقع، گامی بود به سوی اصلاح. ۲۵٪ سهمیه آزاد بانک‌ها که در اختیار خودشان بود به ۳۵٪ تبدیل شد. باز هم این خود گامی بود به سوی اصلاح. بدهی دولت در حال کم شدن است. باز هم گامی به سوی اصلاح. اما، هنوز گامهای بیشتری باید برداشته شود تا به جایی برسیم که اصول نوشته شده در کتاب مبنا قرار گیرد. البته، نکته ای را هم عرض کنم که بنده هیچگاه این اعتقاد و تصور را ندارم که آنچه در کتابها خوانده ایم بتوانیم دقیقاً مطابق با آن در کشور عمل کنیم. البته، گاهی عده ای چنین عنوان می‌کنند که اینجا یا این کشور، کشور خاصی است. این استدلال در ظاهر کلام درست است، اما، باید دید مراد از آن چیست. بنا به فرمایش حضرت امیر(ع) که می‌گویند: **“ کلمه درست است، حق است. اما، آنچه مراد از آن است، غلط می‌باشد.”** ما قبول داریم که کشور ما کشور خاصی است، ولی، نمی‌توان منکر قوانین شد و گفت که قوانین در اینجا کاربرد ندارد. قوانین در کشور ما کاربرد دارد و در این کشور هم باید اجازه دهیم افراد به دنبال سود باشند تا کارخانه‌ها بارور بشود. باید به آنان اختیار دهیم. در بانک‌ها هم به همین نحو باید عمل شود و باید به آنان اختیار داد، زیرا بانک یک بنگاه اقتصادی است. اگر نسبت نرخها، شخص یا شرکت یا بخش گیرنده اعتبار، میزان مبلغ پرداختی، سایر موارد به بانک‌ها تحمیل شود که مطابق با آنچه تعیین شده عمل کنند، پس، مدیرعامل یا شخص تصمیم گیرنده بانک چه نقشی دارد؟ اگر قرار باشد همه

تصمیمات را دیگران برای بانک بگیرند، دیگر ضرورتی ندارد که مدیرعامل تحصیلمکرده برای بانک در نظر گرفته شود. اگر قرار باشد به مسوول بانک بگوییم این مبلغ را به بخش کشاورزی، این مبلغ را به بخش صنعت، این مبلغ را به جای دیگر پرداخت کن و میزان سودها یا بازگردان‌های هر یک را نیز به نوعی تعیین کنیم، که با مشکلات زیادی روبرو خواهیم شد و مدیرعامل هم انگیزه‌ای برای مطالعه و تصمیم‌گیری نخواهد داشت. مدیرعامل یا هر تصمیم‌گیرنده اقتصادی باید احساس مسؤولیت کرده و همواره به فکر مدیریت برنامه‌های بانک باشد و حتی در هنگام خواب و آسایش خود به فکر مسؤولیت خویش باشد و به اصطلاح فرنگی‌ها، risk management داشته باشد. باید به فکر آن باشد که اگر مثلاً، در صنعت سیمان یا فولاد یا پتروشیمی سرمایه‌گذاری کند و بعد قیمت سهام هر یک از اینها پایین بیاید، چه اتفاقی برای portfolio در بانک خواهد افتاد که به سبب آن پیوسته در صدد پیشگیری از زیانها برآید. اگر یک بنگاه اقتصادی فعال و زنده باشد، موفق خواهد بود. اما، اگر مسوول یک بنگاه اقتصادی مثلاً، یک ماه برای تفریح به مسافرت جزیره کیش رفته و نگران مسأله‌ای در کار خویش نباشد، دیگر فاتحه آن بنگاه خوانده شده و هواپیمایی را می‌ماند که در هوا رها شده و هیچ کنترلی بر آن نیست.

علی‌ایحال، وقتی بحث اصلاح را مطرح می‌کنیم، منظور ما حذف نرخهای ترجیحی، حذف سهمیه بندی‌ها، تعیین نسبت سود بانکی و سایر موارد است. به طور مثال، نسبت سود بانکی یک متغیر است و باید براساس بقیه فرمول‌های اقتصاد تعیین شود. این نکته‌ها از مواردی است که سالها پیش به آن رسیده‌اند و عمل می‌کنند. حال، اگر ما بخواهیم دوباره از ابتدا شروع کنیم و بنا به ضرب المثل معروف، "چرخ را اختراع کنیم"، نوعی برگشت به عقب و اتلاف وقت است.

مطلب دیگر در مورد مسأله معوقه‌هاست که ساختار بانک‌ها را قدری دچار مشکل کرده و باید به آن دقت نماییم. من هر ماه گزارشات آنرا به دقت می‌خوانم. هر روز صبح، مقدار زیادی از این گزارشها را که بیشتر آن به شکل عدد و رقم است و هر کدام از این اعداد و ارقام معانی زیادی دارد، مطالعه

می‌کنیم؛ مانند نتیجه آزمایش خون یک بیمار که ممکن است دو صفحه باشد، اما، هر یک از اعداد، علایم یا توضیحات آن معانی زیادی دارد. آماری هم که در بانک مرکزی به دست ما می‌رسد، به نظر من بسیار معنی دار است که یکی از آنها آمار معوقه هاست. اخیراً که نگاه می‌کردم، متوجه شدم مرتب رو به افزایش است. حتی آمار ماهانه را که قیاس می‌کردم، درصد کمی افزایش دیدم اما، به درصد کم هم نمی‌توان بی‌اعتنا بود. زیرا، مانند فرد بیماری است که مختصری تب دارد. اما، ممکن است تب او بالا رود. پس باید تب او را پایین آورد. به هر حال، دوستان بدانند که مسأله معوقه‌ها خود مشکل خطرناکی است که ساختار بانک‌ها را با دشواری مواجه می‌کند. البته، اکنون ما در این جهت پیش می‌رویم و بسیار هم مقاومت می‌کنیم و تلاش در رفع این معضل داریم. اما، بانک‌ها نیز باید واقعاً با تمام قدرت نگذارند که مسأله معوقه‌ها ایجاد گرفتاری کند. البته، ماهیت معوقه‌ها و به اصطلاح، سوخت منابع، تا اندازه‌ای در بنگاه‌های اقتصادی و به ویژه، بانک‌ها طبیعی است. به همین دلیل، ذخیره‌ای برای آن در نظر می‌گیرند؛ مانند: ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول؛ اما، از آن حد که بگذرد، خطرناک می‌شود.

بحث دیگر درباره کفایت سرمایه است که آن نیز با ساختار مالی بانک‌ها در ارتباط است. دوستان ما هم که اینجا هستند به این نکته توجه کنند. دوستان خبر دارند که اکنون در اروپا ۲۵٪ مطرح است. کمیته بال که مسؤول نظارت بر کفایت سرمایه بانک‌های دنیاست، ۱۱٪ را می‌پذیرد که درصدهای ما پایین‌تر از آن است. پس، به مسأله کفایت سرمایه نیز باید توجه نموده و ببینیم که چه می‌کنیم. ممکن است بعضی از این بحث‌ها خارج از حوصله شما باشد، زیرا قدری فنی‌تر است. مثلاً دارایی‌های ثابت ما نباید از حد معینی بیشتر باشد، زیرا برای بانک یک ریسک یا خطر محسوب می‌گردد. همه این موارد نکاتی است که مانند همان مثال برگه نتیجه آزمایش خون می‌باشد که کم یا زیاد بودن هر یک از ارقام یا علایم معانی زیادی دارد. در مورد بنگاه‌های سالم اقتصادی نیز این نسبت‌ها با ساختار آنها مرتبط است.

امیدواریم که با همت و همکاری صاحب‌نظران و همچنین، ۵۰ مقاله ای که به این همایش ارسال شده و ۱۵ مقاله ای که به همایش ارائه خواهد شد، همه این مسایل مورد بحث و بررسی قرارگیرد و چنانچه دوستان راه حل، پیشنهاد یا نظرگاه مثبتی در راه اصلاح و بهبود کارها دارند، مضایقه ننمایند و به ما بگویند که علاوه بر کارهایی که شده و اقداماتی که صورت گرفته، چه کارهای دیگری باید انجام دهیم تا به هدف و مطلوب نظرم‌ان برسیم.

نکته دیگر عبارت از معرفی تولیدات جدید بانکداری اسلامی است. اخیراً دیدیم که بانک ملی یکی از تولیدات خود را که کاری فقهی بود، به ما داد. البته، قبلاً هم در آن زمینه کار کرده بودیم ولی به هر حال، باز هم کار خواهیم کرد. به نظر می‌رسد اگر آنچه قبلاً درباره اش صحبت شده بود که گروه‌هایی "فقهی - کارشناسی" تشکیل شده و درباره تولیدات بیشتر و جدیدتر بحث و تبادل نظر نمایند، کار خوبی است. به طور مثال، اگر الان شش عقد در بانکداری اسلامی وجود دارد، آن را افزوده و مثلاً، به شانزده عقد برسانیم. به طور نمونه، بحث "استصناع" که حضرت آیت اله بجنوردی نیز به آن اشاره فرموده بودند، بیشتر باید مورد توجه قرارگیرد و بر آن کار شود. بحثی که اخیراً درباره اعتبار در حساب جاری بود یا بحث مربوط به انتقال دین که اخیراً بانک ملی به صورتی ارائه داد و عقدهایی از این قبیل را باید مورد بحث و بررسی قراردهیم و به هر حال، هدف باید این باشد که تا می‌توانیم به تعداد این عقدها در بانکداری اسلامی اضافه کنیم و به عبارت دیگر، تلاشمان باید بر آن باشد تا هر چه بیشتر و بهتر به تعداد خدماتی که به مردم ارائه می‌کنیم، بیافزاییم و به جای پنج یا شش طریق، مثلاً، شانزده یا شصت طریق را به مردم نشان دهیم که از آن استفاده کنند. اغلب راه‌های فقهی اش نیز به یاری علما پیدا خواهد شد.

در این مرحله، اشاره ای مختصر به بانک‌هایی می‌نمایم که به اصطلاح ما ربوی هستند و برای خود تولیداتی دارند. البته، فعلاً بنده نمی‌خواهم به تفصیل در این باره صحبت کنم، چون مقاله ای برای آن آماده نکرده‌ام. اما به طور کل، می‌خواهم بگویم که ما هم می‌توانیم مانند آنها تولیداتی داشته باشیم، فقط

تضادهایی بین روشهای بانکداری اسلامی و روشهای آنها وجود دارد. کارکردن در تمام این زمینه ها سبب خواهد شد که هر روز به پیشرفت بیشتری برسیم. به هر حال، این موارد مجموعه عرایض بنده بود که فکر می‌کنم یک ربع هم بیش از وقتم صحبت کردم. البته، دلیلش آن است بنا به آنچه اشاره کردند، چون آقای وزیر اقتصادی و دارایی به قزاقستان رفته اند که البته، سفر ایشان در ارتباط با بانک توسعه اسلامی است، به همین دلیل، فرصتی پیش آمد تا قدری بیشتر صحبت کنم.

امیدوارم انشاءالله تعالی، خداوند به همه شما عمر با عزت، سعادت، سربلندی و آنچه خوب است عطا فرماید تا در کارتان موفق و مؤید باشید. همکاران عزیز، دانشمندان، علما و همه جمعی که اینجا هستید، قطعاً علاقمند به موضوعات همایش می‌باشید. واقعاً، از همه شما انتظار همکاری و یاری داریم. انشاءالله، همکاران ما در نظام بانکی بتوانند انتظارات یک جامعه پیشرفته اسلامی را برآورده نمایند و امیدوارم، روز به روز سرفرازتر و سرزنده تر از گذشته، به خدمات خوبی که انجام می‌دهند، ادامه دهند.

والسلام و علیکم و رحمه الله و برکاته.